

بداء ، در عقیده شیعی به چه معنایی است ؟ و آیا دلیلی بر اثبات این اعتقاد ، در کتب اهل سنت یافت می شود ؟

سوال کننده : خادم البهدی

حقیقة بداء در عقائد شیعة

برخی تصور کرده اند که مراد از بداء آن است که چیزی بر خداوند متعال مخفی و پنهان بوده و سپس آشکار و معلوم می شود و با توجه به آیات قرآنی و روایات معصومین علیهم السلام و گفتار علمای شیعه و سنی - که متعاقبا ذکر خواهد شد - این تصور باطل و بلکه کفر است.

معنای صحیح بداء نزد شیعه به استناد آیات و روایات ، عبارت است از اظهار مصالح تشریح ، ملاکات احکام و... که نزد مردم مخفی بوده است ، نه به معنای آشکار شدن آن چه از دید خداوند مخفی بوده است ؛ زیرا تمام آن چه در عالم و ماوراء آن وجود دارد ، برای خداوند آشکار است و بلکه خداوند خود خالق تمامی آن ها است ؛ همان گونه که در آیه ذیل به همین مطلب اشاره کرده و فرموده است :

يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ . الرعد / 39

خداوند آنچه را بخواهد محو یا اثبات می کند و اصل کتاب نزد اوست .

معنی این سخن این است که گاهی اوقات خداوند بر زبان پیامبرش چیزی را جاری می کند که تا آن زمان بر عموم مردم مخفی بوده است .

بداء در روایات اهل بیت (علیهم السلام)

آنچه که برای بداء ذکر شد ، در روایات اهل بیت علیهم السلام آمده است که به چند مورد اشاره می شود:

امام صادق علیه السلام می فرماید :

« ما بدا لله في شيء إلا كان في علمه قبل أن يبدو له . »

الكافي ، شیخ کلینی ، ج 1 ص 148 ، باب البداء .

خداوند در هیچ زمینه ای بداء انجام نداد مگر آنکه قبل از این بداء و آشکار سازی ، آن مطلب در علم خداوند موجود بوده است .

و نیز فرمود:

إن الله لم يبد له من جهل .

همان مصدر

برای خداوند هیچ چیزی ، از روی جهل به آن آشکار نمی شود .

و نیز فرمود:

من زعم أن الله يبدو له في شيء اليوم لم يعلمه أمس فابروا منه .

شیخ صدوق ، کمال الدین و تمام النعمة ، ص 7 مؤسسة النشر الإسلامي - قم .

کسی که گمان کند که برای خداوند امروز چیزی آشکار و معلوم شده است که دیروز آن را نمی دانسته است ، از چنین شخص بیزار می بجوید .

شیخ صدوق در شرح این روایت می گوید:

وإنما البداء الذي ينسب إلي الإمامية القول به هو ظهور أمره .

صدوق ، کمال الدین وتمام النعمة ، ص 70 .

بدایه که به شیعه امامیه نسبت داده می شود اعتقاد به ظاهر شدن کاری از طرف خداوند است .

بداء در کلمات علمای شیعه :

علمای شیعه نیز بداء را طبق آن چه که ذکر شد ، معنا کرده اند ؛ و هیچ يك از آنان ، بداء را بر خلاف آنچه که گفته شد (یعنی بداء به معنی باطل و محال آن که شیعه را به آن متهم کرده اند) تفسیر ننموده اند .

شیخ طوسی در این زمینه می گوید :

والوجه في هذه الأخبار [أي أخبار البداء] ما قدمنا ذكره من تغيير المصلحة فيه واقتضائها تأخير الأمر إلي وقت آخر علي ما بيّناه ، دون ظهور الأمر له تعالي ، فإننا لا نقول به ولا نجوزه ، تعالي الله عن ذلك علواً كبيراً .

الغيبة ، الشيخ الطوسي ، ص 431 .

بیان این روایات ، همان است که ما ذکر نمودیم ؛ که مصلحت کاری تغییر پیدا کرده اما آشکار ساختن آن به سبب مصلحتی به تاخیر افتاده است ؛ بدون آنکه مطلبی برای خداوند آشکار شده باشد ؛ زیرا ما نه اعتقاد به این مطلب داشته و نه آن را ممکن می دانیم ؛ و خداوند بزرگ تر از آن است که چنین باشد .

شیخ صدوق نیز می گوید :

وعندنا من زعم أن الله عز وجل يبدو له اليوم في شئ لم يعلمه أمس فهو كافر والبراءة منه واجبة .

کمال الدین وتمام النعمة ، شیخ صدوق ، ص 69 ، تصحیح : علی أكبر غفاری ، ناشر : مؤسسة النشر الإسلامي .

به اعتقاد شیعه اگر کسی بگوید که امروز برای خداوند چیزی آشکار شده است که آن را در گذشته نمی دانسته است ، چنین شخصی کافر و بیزار است از او واجب است .

و نیز گفته است :

ليس البداء كما يظنه جهال الناس بأنه بداء ندامة تعالي الله عن ذلك ... والبداء هو رد علي اليهود لأنهم قالوا : إن الله قد فرغ من الأمر فقلنا : إن الله كل يوم في شأن ، يحيي ويميت ويرزق ويفعل ما يشاء .

والبداء ليس من ندامة ، و هو ظهور أمر ، يقول العرب : بدا لي شخص في طريقي أي ظهر ، قال الله عز وجل : (وبدا لهم من الله ما لم يكونوا يحتسبون . الزمر / 47) أي ظهر لهم ، ومتي ظهر لله تعالي ذكره من عبد صلة لرحمه زاد في عمره ، ومتي ظهر له منه قطيعة لرحمه نقص من عمره ، ومتي ظهر له من عبد إتيان الزنا نقص من رزقه وعمره ، ومتي ظهر له منه التعفف عن الزنا زاد في رزقه وعمره » .

التوحيد ، شیخ صدوق ، ص 335 - 336 .

بداء آنچنان که گمراهان مردم می پندارند نیست ، به این معنی که خداوند کاری انجام دهد و سپس از آن پشیمان گردد ... بداء در مقابل نظر یهود است که می گفتند خداوند تمام کار را انجام داده است (و دیگر تغییری انجام نخواهد شد) ؛ اما ما می گوییم : خداوند هر روزی چیزی را تعیین می کند ، می میراند و زندگی می بخشد روزی می دهد و کاری را که بخواهد انجام می دهد .

بداء به معنی پشیمانی نیست ؛ بلکه به معنی آشکار شدن چیزی است ؛ عرب می گوید : در مسیر راه شخصی در برابر من

ظاهر شد ؛ خداوند نیز فرموده است : و برای ایشان از جانب خدا چیزی (بداء) آشکار شد که گمان آن را نمی کردند . و هر زمان بنده ای صله رحم به جا آورد بر عمر وی می افزاید ؛ و هر زمان بنده ای قطع رحم نماید خداوند از عمر وی بکاهد ؛ و هر زمان بنده ای مرتکب فحشا شود از عمر و روزی او بکاهد ؛ و هر زمان بنده ای از زنا دوری کند و راه عفت بر گزیند خداوند بر عمر و روزی او بیفزاید .

مرحوم مازندرانی (شارح کتاب کافی) در تفسیر روایات بداء می گوید :

فهو سبحانه كان في الأزل عالماً بأنه يمحو ذلك الشيء في وقت معين لمصلحة معينة عند انقطاع ذلك الوقت وانقضاء تلك المصلحة ، ويثبت هذا الشيء في وقته عند تجدد مصالحه ، ومن زعم خلاف ذلك واعتقد بأنه بدا له في شيء اليوم مثلاً ، ولم يعلم به قبله ، فهو كافر بالله العظيم ونحن منه براء .

شرح اصول کافی ، محمد صالح مازندرانی ، ج 4 ص 250-251 ، دار إحياء التراث العربي - بيروت .

علم خداوند سبحان ازلی است و می دانسته است که مطلبی را در زمان معین به سبب تمام شدن مصلحتش محو خواهد ساخت و یا وقتی مصلحت آن دوباره بازگشت آن را در زمان خودش ایجاد خواهد کرد ؛ و کسی که بر خلاف این مطلب اعتقاد داشته باشد ، و مثلاً بگوید که خداوند امروز چیزی را می داند که قبل از آن نمی دانسته است ، او به خداوند کافر شده است و ما از او بیزاریم .

با توجه به سخنان اندیشمندان و بزرگان مذهب شیعه که اندکی از آنرا مشاهده کردیم آیا شایسته و سزاوار است که به یک یا چند حدیث از کتب روایی و تفسیری شیعه با تفسیری غلط و بدون امانتداری و مراجعه به آراء و فهم مفسران آنگونه که خود می پسندیم تفسیر کنیم و چهره ای ناپسند از عقاید پیروان آن مذهب به نمایش در آوریم؟ پس کمی هم انصاف را رعایت کنیم.

بداء در کتب اهل سنت :

در کتب و روایات اهل سنت نیز بداء با همان مفهوم و توضیحی که از منابع شیعه و اقوال و سخنان علمای شیعه نقل کردیم ، آمده است .

بخاری در کتاب صحیح خودش از ابو هریره و او از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم روایت می کند که فرمود:

إِنَّ ثَلَاثَةً فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ أَبْرَصَ وَأَقْرَعَ وَأَعْمَى بَدَأَ لِلَّهِ أَنْ يَبْتَلِيَهُمْ ، فَبَعَثَ إِلَيْهِمْ مَلَكًا ، فَأَتَى الْأَبْرَصَ . فَقَالَ أَيُّ شَيْءٍ أَحَبُّ إِلَيْكَ قَالَ لَوْنٌ حَسَنٌ وَجِلْدٌ حَسَنٌ ، فَذَهَبَ عَنْهُ ، فَأَعْطِيَ لَوْنًا حَسَنًا وَجِلْدًا حَسَنًا ... إلی آخر الحدیث»

صحیح بخاری ، ج 2 ص 384 ، کتاب أحادیث الأنبياء .

در قوم بنی اسرائیل سه نفر گرفتار سه بیماری مشخص ؛ یعنی پیسی و ناشنوایی و نابینایی شده بودند ؛ برای خداوند بداء حاصل شد که ایشان را مورد امتحان قرار دهد ؛ فرشته ای را نزد آنان فرستاد از شخصی که مبتلا به پیسی بود پرسید : چه چیزی را بیشتر از همه دوست داری؟ گفت : پوست و رنگ نیکو ...

با مراجعه به کتابهایی که در شرح کتاب بخاری نوشته شده است ، مشاهده می کنیم که اهل سنت نیز بداء را در این روایت به همان معنایی تفسیر کرده اند که شیعه گفته است و معتقد است .

به این سخن ابن حجر توجه کنید که می گوید :

قوله : (بدا لله) بتخفيف الدال المهملة بغير همز ، أي سبق في علم الله فأراد إظهاره ، وليس المراد أنه ظهر له بعد أن كان خافياً ؛ لأن ذلك محال في حق الله تعالى .

اینکه در روایت آمده است « برای خدا بداء حاصل شد » معنای آن این است که خداوند از اول می دانسته است ، سپس آن را اظهار نموده است ؛ نه آنکه چیزی بر خداوند مخفی بوده سپس آن را آشکار نموده باشد؛ زیرا در حق خداوند محال است .
شارحی دیگر به نام عینی نیز در عمدة القاری همین عبارت را آورده است .

ابن ابی حاتم در تفسیر آیه : (الله یتوفی النفس) از ابن عباس روایتی نقل کرده است که گفت :

(اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ) قَالَ : « فَإِنْ بَدَأَ اللَّهُ أَنْ يَقْبِضَهُ قَبْضَ الرُّوحِ ، فَمَاتَ ، أَوْ أُخِرَ أَجَلُهُ رَدَ النَّفْسِ إِلَى مَكَانِهَا مِنْ جَوْفِهِ » .

تفسیر ابن ابی حاتم ، ج 10 ، ص 3252، المكتبة العصرية .

خداوند مردم را می میراند : اگر برای خدا بداء حاصل شد که روح را بگیرد ، آن را گرفته و شخص می میرد ؛ و یا آن را تا مهلت معین به تاخیر می اندازد ؛ پس روح را به جایگاه خویش باز می گرداند .

هیثمی نیز در مجمع الزوائد در باب « طلوع الشمس من مغربها » از عبد الله بن عمرو روایت می کند که :

أنها [الشمس] كلما غربت أتت تحت العرش فسجدت واستأذنت في الرجوع فأذن لها في الرجوع حتي إذا بدا لله أن تطلع من مغربها فعلت كما كانت تفعل أتت تحت العرش فسجدت واستأذنت في الرجوع فلم يرد عليها شيء ، ثم تستأذن في الرجوع فلا يرد عليها شيء ... الحديث .

مجمع الزوائد ، هیثمی ، ج 8 ص 8 .

خورشید هر زمان که غروب می کند زیر عرش رسیده پس سجده می نماید و از خداوند اجازه بازگشت می طلبد ؛ پس به او اجازه داده می شود ؛ تا زمانی که برای خداوند بداء حاصل شود که خورشید از مغرب طلوع کند ، در این هنگام خورشید مانند هر روز بالا آمده تا به زیر عرش می رسد سپس اجازه بازگشت می طلبد اما به او اجازه داده نمی شود ؛ ...

و سپس می گوید :

رواه أحمد والبزار والطبرانی في الكبير ورجاله رجال الصحيح .

المصدر نفسه ، ج 8 ، ص 9 .

این روایت را احمد و بزار و طبرانی در معجم کبیر نقل کرده اند و همه راویان آن مورد اعتماد می باشند .

عبارت استفاده شده در این روایات ، مطابق با همان عبارتی است که در کتب شیعه استفاده شده است ؛ پس تفسیر بداء نزد علمای اهل سنت همانند تفسیر علمای شیعه است که بداء یعنی فرا رسیدن زمان ابلاغ و تغییر بر اساس مصالح بندگان نه آنکه گفته شود: مراد از بداء عالم شدن خداوند است به آنچه از وی پنهان بوده است ؛ زیرا چنین وصفی در باره ذات باری تعالی نزد ائمه و علمای شیعه و نیز علمای اهل سنت محال است .

آثار بداء در عقیده :

واضح است که بداء با معنی صحیحی که برای آن ذکر شد ، بیانگر قدرت مطلقه خداوند در تصرف در تکوینیات است ؛ و اینکه قلم خلقت و تکوین هنوز خشک نشده و می توان آن را تغییر داد ؛ و این بر خلاف اعتقاد یهود است که می گفتند دستان خداوند بعد از آفرینش بسته شده و نمی تواند آن را از صورت کنونی و ظاهری اش تغییر دهد .

همانطور که قرآن از زبان یهود این چنین نقل می کند:

وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ

سوره مائده آیه 64

و یهود گفتند که دست خداوند بسته است ؛ دست های خودشان بسته باد ؛ و به (سزای) آنچه گفتند از رحمت خداوند دور شدند ؛ بلکه هر دو دست او گشاده است ؛ هرگونه بخواهد می بخشد .
و به همین جهت است که ائمه علیهم السلام تاکید بسیاری بر اعتقاد به بداء داشته اند تا در نظر یهود را نفی و در برابر آن بایستیند و نیز این عقیده را که خداوند قدرت خود را به حدود خاصی محدود ساخته است از بین ببرند ؛ و اثبات نمایند که قدرت خداوند در عالم خلقت و تکوین جاری است .

موفق باتسبیح

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج)